

بمناسبت ۲۶ ماه دلو « 16 فبروری »
روز خروج قوای شوروی از افغانستان

ورود و خروج قوت‌های شوروی از افغانستان در دو خاطره



س ع قدوس سید

واضح است که خاطرات در حکم سند شفاهی و منابع کشف حقایق تاریخی محسوب می‌شوند و حتی گاهی بعنوان سند نقش مهمی در تاریخ نگاری ایفا می‌کنند
میدانیم ورود و خروج قوای شوروی از کشور از منظرهای مختلف و واکنش‌ها مورد بحث و کنکاش قرار گرفته است و حال هنگامیکه فصلی از تاریخ طی می‌شود ارزیابی در باره آن اسان تر می‌شود ، من به پندار اینکه آینده را نباید اکاذیب گذشته ببلعد در اینجا دو خاطره را بعنوان ایینه ۶ یک تاریخ در باره ۶ « شش جدی سال ۵۸ و ۲۶ دلو ۶۷ خ » بقلم می‌آورم :
خاطره ۶ نخست :
از ششم جدی سال ۱۳۵۸ :

بیاد دارم در پاییز سال ۱۳۵۸ خ حملات گروه‌های بنام مجاهدین که از پاکستان و ایران می‌آمدند و حکومت آنها را اشرار می‌خواند بحدی شدت یافته بود که پایه‌های حکومت حفظ‌الله امین را به لرزه افکنده ناقوس مرگ رژیم را بصدا در آورده بود.

من در قوای دهدادی مزار شریف جاییکه میدان هوایی نظامی ان اماج حملات گروه‌های ضد حکومت از جنوب از کوه‌های شادیان، مارمول و چهار کنت قرار داشت و به گستردگی معروض به خطر بود اشتغال داشتم، بمن با یک تولی پیاده تقویه شده وظیفه‌ی سنگینی سپرده شده بود که میدان هوای نظامی دهدادی را که در آن حدود سی بال جت‌های محاربوی و تعلیمی و شماری هلیکوپترها جابجا بود محافظه نموده و از هر گونه حملات تخریبی و ترورستی محافظت نمایم. در واقع در انروزهای خفقان اور و فضای سنگین سیاسی نظامی که نفس ادمی بند می‌آمد، انهدام طیارات تداعی انهدام ما نیز بود.

همه روزه حینیکه افتاب پشت سلسله کوه‌های البرز عقب می‌نشست و موذن قطعه ما ورود شب را با ستودن خدا به یگانگی اعلان میکرد و شب دیگری با مخاطره و منازعه برای ما آغاز می‌گردید، اشراریکه میدان هوایی را اماج حملات قرار میدادند یکی، احزاب شیعه که وابسته به ایران بود و دومی، جمعیت اسلامی که فرمانده ان ذبیح الله که از پاکستان رهبری میگردد در ارتفاعات جنوب میدان هوایی در کوه‌های شادیان مامول و چارکنت حضور داشتند. از انجاییکه این گروه‌ها هنوز به ماشیندارهای ثقیل و طوپ‌ها و هاوانها مسلح نگردیده بودند بنابراین تلاش میکردند به ساحه میدان تقرب نموده با انتشاری با اسلحه خفیف و راکت اندازهای سرشانه‌ی RPG طیارات را منهدم نمایند از اینرو من بعنوان فرمانده جزواتم محافظت میدان، شب‌ها را برای نظارت از گزیه‌ها و پوسته‌ها تا صبحدم بیدار می‌ماندم.

باری بمنظوری دفع و طرد اشرار به تنگی شادیان ممتد به مارمول تاختم و با گروه‌های اشرار درگیر شدیم، اما کمیت نیروهای طرف مقابل نسبت جزواتم ما فزونی داشت از اینرو ما رجعت نمودیم و جبهه‌ی ما به غند ۶۲ میکانیزه فرقه ۱۸ سپرده شد.

در بحبوحه، چنین روزگاری شب پنجم جدی ۱۳۵۸ خ که رستاخیز زمستان بود فرارسیده بود، انشب از یکسو زمهریر زمستانی که با وزش از ارتفاعات البرز کوه، مواضع دفاعی ما را شلاق وار میکوبید و ستاره‌ها در بستر آبی آسمان نور لاجوردی شب را منعکس میکرد و مهتاب از میان حریر منجمد ابرها چون نیلوفری تمام شگفته‌ی می‌تابید و بر محیط پیرامون ما تا حدیکه هر نوع حرکات دشمن از دور دست‌ها ترصد میگردد روشنایی نثار میکرد. از سوی دیگر انشب سقف آسمان به جولانگاه طیارات غول پیکر ترانسپورتی که از سمت شمال به سمت جنوب در پرواز بودند مبدل شده بود. با هر نظاره بسوی آسمان می‌پنداشتم شب بمن نفرت و انزجار ترزیق میکند در دلم به شوروی‌ها صد‌ها نفرین و لعنت می‌فرستادم، این سوال مخیله پر مشغله ام را که چرا و چگونه شوروی از رژیم خودکامه و مستبد حفیظ‌الله امین حمایت بعمل می‌آورد تسخیر نموده بود.

انشب را با غرش طیارات در آسمان که شبه‌یک معادله‌ی نا مکشوف در ذهنم تلالو داشت به نیمه‌ها رسانده بودیم با افکار مظطرب خود در تقلا بودم که دستگاه مخابره زنگ زد و وقار گاه قوا دستور اعجاب بر انگیزی صادر کرد و گفت، قرار است یک قطعه سربازان شوروی که از حیرتان حرکت کرده اند بعد از نیمه‌های شب به ساحه میدان وارد گردیده و جابجا میگرددند، شما با انها اجازه ورود بدهید و هیچ مشکل و موانعی برای انها ایجاد نگردد.

با شنیدن سخنان او معادله‌ی چند مجهوله دیگری در ذهنم به جنبش در آمده بود از خود می‌پرسیدم. که چه مسئله‌ی دارد اتفاق می‌افتد؟ چرا قوای شوروی به اینجا می‌آید آیا بکمک رژیم شتافته اند آیا کشور ما را اشغال خواهند کرد آیا ما را خلع سلاح میکنند، سوالات بودند که در ذهنم یکی به دنبال دیگر رژه می‌رفتند و پاسخی با انها نمی‌یافتم. یک بلوک سربازان را تحت

قومانده قوماندان بلوک بریدمن عبدالکریم وظیفه دادم که قطعه شوروی ها را در مدخل میدان هوایی به ساحه که خط پرواز طیارات را مختل نساژند رهنمودن کردند ساعتی بعد یک قطعه شوروی که شامل یک غند میکانیزه بود به میدان هوایی دهدادی رسیده و ازسوی افراد ما رهنمایی گردیده بودند.

افسر مربوطه ما اطلاع داد که معاون سیاسی غند شوروی ، میخواهد فردا چای صبحانه را با شما صرف نماید ، حوالی ساعت هشت صبح « شش جدی ۵۸ » معاون سیاسی غند شوروی جگرن رستم تاجک با یک افسر دیگر که اوزبیک سمرقندی بود با دو سر باز که کارتن های شیر مسکه و پنیر و نان خشک را حمل میکردند وارد قرار گاه ما گردیدند ، بعد از مصافحه حینیکه چای گرم در پیاله ها نفس میکشید نخستین سوال را من مطرح کردم که چرا؟ و به چه انگیزه یی شما وارد کشور ما گردیده اید هدف شما چیست . جگرن رستم که بارقه همزبانی در نگاهش ساطع بود و گویی به پاسخ چنین سوالاتی از قبل امدگی داشت گفت:

دولت شوروی دوست مردم افغانستان است ، حال تمامیت ارضی افغانستان در خطر است ما امده ایم بشما کمک نماییم تا استقلال و هویت دموکراتیک خود را حفظ کنید حال همه میدانیم عناصر افراطی مذهبی که از سوی امریکا و غرب ، پاکستان و ایران مسلح و مجهز گردیده به کشور شما اعزام میگرددند نه تنها تمامیت ارضی کشور شما را در خطر قرار داده اند بلکه برای جمهوریت های مسلمان نشین آسیای میانه شوروی نیز خطر محسوب میگرددند ، آنها میخواهد بنیاد گرای مذهبی را در آسیای میانه ترویج نمایند از اینرو بخاطر دفع و طرد بنیادگرایان جهادی بنابر درخواست حکومت شما بر اساس معاهده امضا شده در برج قوس سال ۱۳۵۷ خ در میان دولتین ما که کمک نظامی جز انست بعنوان دوست جهت ارایهء کمک به افغانستان امده ایم . با شنیدن پاسخ او در عالمی از رویا های مبهم فروفته بودم آیا روس ها به حمایت رژیم امین امده اند مسئله ایکه توام با یک نوع نفرت از اعماق افکارم زبانه میکشید هنوز پاسخی بان نیافته بودم . در چنین حالی جگرن رستم گفت ممنون از پذیرایی گرم تان ادم وقتی که مورد محبت واقع میگردد جای خوشبختی است .

او سوال کرد مسئله امنیت این منطقه چگونه است ؟ من توضیحات لازم را ارایه دادم او گفت ما برای تامین امنیت بهتر پوسته های خود را توام با زرهپوش ها در مسافه پنج تا شش کیلومتری جنوب میدان جابجا میکنیم . برای تامین تشریک مساعی تا چند روزیکه ما اینجا هستیم گاه گاهی باهم دیدار خواهیم کرد . بعد از رفتن جگرن رستم با همراهان اش ، یکی از افسران دیگر ما وارد گردیده گذارش داد که اکثریت سر بازان شوروی تاجک و اوزبیک اند سربازان ما در یک گرمجوشی دوسنانه با آنها در امیخته با هم گرم گفتگو اند . تا یک هفته یی که قطعه شوروی در میدان هوایی دهدادی بود نان سربازان ما به اصطلاح در روغن غوطه ور بود از شوروی ها شیر» بنام مله کو» پنیر و مسکه و چاکلیت و کلاه های گرم و بوت بدست می آوردند .

انروزشش جدی ۵۸ خ مطابق 27 دسمبر 1979م از انجاییکه از فرایند حوادث هیچ اطلاعی نداشتیم ، خسته گی و بیتابی رهیم نمیکرد خواسته بودم از طریق رادیوها از اوضاع جاری مطلع گردم ، به بهانه اینکه از خانواده دیدن نمایم از محل وظیفه به شهرک دهدادی امدم ، به مجرد ورود به منزل و رو بوسی طفلکان به تعجیل به جستجوی اخبار از طریق رادیوها که یگانه وسیلهء ممکن بود پرداخته بودم . ناگهان نهیب پر سطوت صدای ببرک کارمل توجه ما را برانگیخت که از امواج رادیو پخش میگرددید :

«اینجانب ببرک کارمل از طرف کمیته مرکزی حزب واحد دموکراتیک خلق ، دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان به مناسبت سقوط مرگبار و واژگون شدن رژیم فاشیستی حفیظ الله امین ، به شما و زنداران عذاب دیده، مسلمانان مستضعف افغانستان درود می فرستم و به جهانیان اعلام میدارم که، رژیم یکه تاز و غاصب امین، در زیر فشار جنایات خود درهم شکسته شد...»

شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان به اساس آرمانهای والای مردم، قدرت حاکمه یعنی دولت را دوباره بدست گرفت. و آزادی تمام زندانیان سیاسی را اعلام می نماید. افغانستان انقلابی از سیاست خارجی صلحجویانه، از سیاست بیطرفی مثبت و فعال پیروی خواهد کرد و بر مبنای اصل سیاست صلح و دوستی ملل با تمام ملل و دول جهان روابط دوستی خود را و به درجه اول با کشورهای همجوار خود بسط و توسعه خواهد داد و عضو وفادار و فعال سازمان ملل متحد و کشورهای غیر متعهد دوست و هم‌رزم صدیق مسلمانان زحمتکش جهان خواهد بود؛ تمام قراردادهای پیمانهای منعقد شده میان افغانستان و کشورهای جهان و منشور سازمان ملل متحد را تأیید و رعایت خواهد کرد».....

با استماع بیانیه که شعیف زایدالوصفی ارمغان داده بود بسرعت خود را به محل وظیفه رساندم تا مبدا حادثه بی رخ ندهد.

خاطره دوم -

خروج قوای شوروی از کشور ۲۶ دلو ۱۳۶۷ خ:

با جست از پل زمان یعنی مدت دهساله حضور قوای شوروی در افغانستان که از حرف و حدیث جعل و حقیقت انباشته است « تا قیامت گر بگویم این کلام - صد قیامت بگذرد ان نا تمام » به ۲۶ ماه دلو سال ۱۳۶۷ خ روز خروج قوای شوروی از کشور میرسیم . الزامی است که گفته شود :

۱- در طول سال های حضور نیروهای نظامی شوروی هر چند تشریک مساعی شان با قوتهای مسلح کشور در مبارزه علیه تجاوزات از خاک پاکستان و ایران که تندوران مذهبی القاعده و افغان را سیل اسا بداخل کشور برای تخریب و ترور می فرستادند ، از گستردگی بر خوردار بود اما بار فشار اصلی مبارزات را قوتهای مسلح کشور بدوش می کشید ، در این مبارزه شماری زیادی در سنگرهای مدافعه وطن قربان گردیده که بروح مطهر شان درود می فرستیم و شماری زیادی مجروح و معیوب گردیده بودند اما اعتقاد آنها به ارزش های والای انسانی حمایت از مردم تھی دستان و منافع ملی نگذاشت که در برابر دشمنان از پا در آیند ، در این روند تاریک ترین لحظات شور بختی و نومیدی ما خیانت شماری از بدنهء نظام ما ، ادم های دو چهره ، طاغوتی ها که اگر مرتکب سفاهت خیانت و بد عهدی نگشته لگام بدست اهریمن نمی دادند کشور در همان سال ۱۳۷۱ خ با تحقق سیاست مصالحه ملی و عملیه صلح ملل متحد از بحران و جنگ ها نجات حاصل نموده بود .

2- اتحاد شوروی وقت در سال سوم حضور نظامی اش در افغانستان بنابر انگیزه های معینی ب فکر خروج از افغانستان شده بود اما امریکا و غرب و پاکستان بامنافع استراتژیک و هم اهنک بویژه که کمیت کافی پیاده نظام از جهادی های القاعده و تندروان مذهبی افغان را در اختیار داشتند خواسته بودند آتش جنگ و جهاد را در افغانستان مشتعل نگهداشته و با اخذ انتقام شکست ویتنام ، به شوروی تلفات و ضایعات نظامی و اقتصادی وارد آورده و تا حدی که نظام سوسیالیستی وی را متلاشی نمایند . بنابراین می خواستند که پای شوروی هر چه بیشتر در باطلاق جنگ افغانستان فرو رود.

در نهایت ناشی از تلاش های دیپلماتیک شوروی و اظهار امدادگی دولت افغانستان تحت زعامت داکتر نجیب الله برای خروج نظامیان شوروی از کشور که با اعلان سیاست مصالحه ملی مورد حمایت مردم افغانستان و ملل متحد واقع گردیده بود بعد از تداوم گفتگو ها و مذاکرات نفس گیر که هشت سال بطول انجامید توافقنامه ژنیو میان افغانستان و پاکستان در ماه اپریل سال ۱۹۸۸ م به ضمانت امریکا و اتحاد شوروی در شهر ژنیو کشور سوئیس در حالی امضا گردید که دران

گروه‌های جهادی افغان هیچ نوع حضور و نقشی نداشتند. و منبعث از آن نظامیان شوروی بگونه متناوب طی مدت نه ماه تا ۲۶ ماه دلو ۱۳۶۷ خ افغانستان را ترک کردند.

- صاحب این قلم بعنوان یکی از افسران ارشد در کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق درخروج نظامیان شوروی از جلال آباد، بدخشان و کابل درحالی مسولیت عهده دار بود که هیبت شوروی معطوف بر خروج نیروهای نظامی از افغانستان را سترجنرال وارینیکوف بعنوان یک نظامی مجرب بدوش داشت. ما طی جلساتی و گفتگوهای دراز اهنگی مسایل خروج و آگاهی دهی شهروندان مسیرعبور کاروانهای نظامی را مورد بررسی قرار داده تصمیم لازم را اتخاذ نموده بودیم.

آنچه از جریان بحث های ما با جنرال وارینیکوف فراموش نکردنی است آنست که در یکی از جلسات در پاسخش توضیح داده گفتم:

مسئله آگاهی دهی و جلب حمایت مردم مسیر راهها جهت عبور بی خطر کاروانها برای ما کارمشکی نیست، اما آنچه مهم است آنست گروههای مسلح بویژه درکوهدامن از جمعیت اسلامی فرمانده انور دنگر، قوماندان الماس از حزب اسلامی و در برخی نقاط معلم فرید دارای جبهه و مواضع زیادی اند ما امکان اتشباری از سوی آنها را بر کاروانهای نظامی منتفی نمیدانیم، بایستی در این مورد بیشتر تمرکز صورت گیرد. جنرال با نگاه معنی داری رو بمن بی درنگ گفت! شما بدنبال آنها نباشید، مسئله آنها کار ماست از سوی آنها هیچ اقدامی صورت نخواهد گرفت، برای بحث در این مورد باید از پیشداوری خود داری نماییم، اما ما در صورت اتشباری بر کاروانها از رویکرد قاطع پر هیز نخواهیم کرد، از سوی شما بایستی تلاش صورت گیرد تا مردم اهمیت خروج و مسئله امنیت کاروانهای نظامی را درک نمایند و ابزار دست کسی در اتشباری بر قطارها نگردند.

ما دو مفرزه تبلیغاتی یک از وزارت داخله و دیگری از وزارت دفاع را که با قطعات کشف ملکی تشریک مساعی داشتند به کوهدامن فرستادیم آنها طی دو تا سه هفته با کار با کیفیت و ارایه کمک های مادی به اقناع مردم پرداخته و مساعی آنها را درتأمین امنیت مسیر شاهراه ها حین عبور کاروانهای نظامی جلب نموده بودند.

هراس اصلی آن بود که اگر کسانی از میان دهات بالای کاروانهای در حال خروج شوروی اتش کشاید انگاه قطارهای رفتار شوروی که تا دندان مسلح بودند و از هوا نیز حمایه میگردند به پاسخ کوبنده پرداخته و مبادا منتج به تلفات اهالی ملکی گردد.

- نخستین مرحله خروج از جلال آباد که دو غند شوروی در آنجا مستقر بود آغاز گردیده بود، مسئله عبور آنها از حومه شهر کابل نیز یک معضله بود اما تصمیم بران شد که بعد از مواصت دو غند به ساحه پل چرخ از مسیر گمرک و عقب میدان هوایی به ساحه خیر خانه مواصت نموده و سپس از آنجا رهسپار حیرتان گردند تدابیر امنیتی گسترده وضع گردیده بود، که مبادا کدام گروهی مخرب از میان خانه ها و محلات حومه شهر بالای کاروانهای در حال عبور اتش کشایند و انگاه منجر به تلفات ملکی گردد. اما برعکس، شهروندان حومه کابل حین عبور کاروانها با ابراز احساسات، و واژه ی «دسودانی» کاروانهای در حال عبور را بدرقه نموده و حتی بر آنها دسته های گل نثار نموده بودند.

- خروج آخرین بقایای قوای شوروی از کابل نیز در ماه دلو ۶۷ خ تکمیل گردیده و بعد از میتنگی وداعیه با شرکت شهروندان کابل که دران داکتر نجیب الله ریس جمهور بیانییه پر شوری که دفاع مستقلانه از میهن را بازتاب میداد ایراد کرد بسوی شمال کشور حرکت کردند و فرمانده اردوی چهل شوروی جنرال گروموف آخرین کسی بود پل حیرتان را با پای پیاده بان سوی رودبار جیحون عبور کرد.

مقایسه دو خروج:

پر واضح است که شرایط حضور نیروهای نظامی خارجی در کشور ما هرگز ارزش حمایتی ندارد ، اما از آنجاییکه که این دو حضور و خروج در اندیشه زمان جاریست علی الوصف نتیجه گیری و عبرت اندوزی از آنها دارای اهمیت تاریخی است که جستارهای گسترده ای را مطالبه می نماید .

در اینباره چند نتیجه گیری فشرده و مقایسه وی دو خروج « شوروی و امریکا» از افغانستان قابل تمکین خواهند بود :

الف- واقعیت آنست شوروی ها بر بنیاد توافقنامه ژنیو مسولانه کشور را در حالیکه بهیچ گونه چالش کلان امنیتی در مسیر راهها مواجه نگردیده بودند افغانستان را ترک دادند ، انگونه که ما شاهدش بودیم از جلال اباد تا حیرتان از غزنی تا تورغندی از بدخشان تا بندرترمز شیر مجاهدی پیدا نشد که حتی یک گلوله را بر کاروانهای در حال عبور شوروی شلیک نمایند و شوروی ها در یک بستر مخملین حتی در سالنگ ها جنگجویان احمد شاه مسعودبھیث محافظ عبور شوروی ها نقش افریده بودند ، افغانستان را ترک دادند .

ب- روابط ارتش شوروی با مردم و قوتهای مسلح کشور دوستانه و کمک کننده بود در طول مدت هیچ حادثه که سرباز افغان علیه سربازان شوروی آتش کشوده و آنها را بقتل رساند باشند بمشاهده نرسیده بود شوروی ها بصورت قطع زندان شخصی نداشته و در طول مدت هیچ افغانی را باز داشت و زندانی ننموده بودند ، روابط اش بامردم دوستانه و کمک کننده بود ، با قوتهای مسلح کشور در یک رفاقت رزمی بر علیه افراطی های که از پاکستان و ایران می آمدند رزمیده بودند .

ج- روند نیرومندی دولت طی مدت بیک دولت دموکرات با فعالیت احزاب سیاسی ، آزادی رسانه ها و جود پارلمان مبدل گردیده و دولت تحت رهبری داکتر نجیب الله سیاست مصالحه ملی را از موضع قدرت برای حل بحران کشور پیش کشیده و برای تحقق صلح حاضر گردیده بود از قدرت کناره گیری نموده و انرا بیک اداره موقت مطابق عملیه صلح ملل متحد بسپارد هرگاه کودتای ایتلافی ملیشه بی و جهادی بشمول شماری از سیاسیون و نظامی های دولتی در ثور ۷۱ برضد عملیه صلح مذکور صورت نمی پذیرفت افغانستان در همان سال از جنگ و جهاد نجات حاصل میکرد.

د - قوتهای مسلح بلحاظ کیفیت و کمیت از پوتانسیل ویژه بر خوردار گردیده با داشتن کادرهای متخصص و کار آگاه یکی از اردوهای مقتدر منطقه محسوب میگردد که چنانچه بعد از خروج قوای شوروی ارتش پاکستان را در جلال اباد با قاطعیت شکست داد و بعنوان سپر دفاعی کشور ۲۵۰۰ چین تانک ۲۰۰۰ هزار زرهپوش ها و ۵۰۰ بال طیارات مودرن در اختیار داشت . اما خروج قوتهای امریکا و ناتو :

۱ -قوتهای امریکایی بدون هیچ گونه مجوزی با زور و استکبار امپریالیسی وارد افغانستان گردیده بودند ، تیم تهاجمی امریکا تحت رهبری جنرال سی ای ای گری شرون پس از پرواز از تاشکند با حموله های انباشته از دالر تاریخ 26 سپتامبر سال 2001 مطابق چهارم میزان ۱۳۸۰ خ در پنجشیر فرود آمد و از سوی رهبری شورای نظار اقایان قسیم فهیم ، عبدالله ، محمدی و عارف سروری بگرمی مورد استقبال قرار گرفت سپس مورخ ۱۵ میزان بمباردمان ها جهت سرکوب امارت طالبان را آغاز و مدت سه ماه تداوم حاصل کرده بود ، بم ها چشم و گوش نداشتند طالب را از غیر طالب تمیز کنند بنابراین تلفات گسترده ی ملکی تعمیل گردیده بود و سپس بعد از سه ماه بمبارد در 27 دسامبر 2001م کنفرانس بن دایر گردید.

۲ -حضورقوتهای امریکا و ناتو علی الرغم مصارف هنگفت اقتصادی که به کیسه های جنگسالاران سرازیر گردیده بود با چالش ها و بی اعتمادی های گسترده در کشور همراه بود . بگونه مثال بر اساس گذارشات، تاریخ 20 جولای 2012 در یک روز تنها ده نفر از سربازان خارجی توسط سربازان افغان کشته شده بودند . در همین روز یک سرباز افغان چهار سرباز فرانسوی را به ضرب

گلوله کشته بود و ۱۵ سرباز دیگر را زخمی کرده بود - یک پیلوت افغان بنام گل احمد ۹ نفر آموزگاران امریکایی را در میدان هوایی خواجه رواش به ضرب گلوله کشت و خودش نیز کشته شد. دو ماه قبل از آن دو سرباز امریکایی به اثر فیر نیروهای افغان در بالا مرغاب باد غیس کشته شده و سه نفر دیگر زخمی شده بودند در همان روز ها سه نفر سرباز ناتو در فراه کشته شده ۳ نفر دیگر زخمی شده بودند در درگیری که پس از مشاجره لفظی میان سربازان افغان و امریکایی رخ داده بود ۵ سرباز اردو کشته شده بودند سه هفته پیش از آن ۳ سرباز فرانسوی در اثر تیر اندازی یک سرباز در ولایت کاپیسا بقتل رسیده بود .

۳ - قوت‌های امریکا و ناتو که دم از خطر تروریسم میزدند خود کارنامه های سیاهی از انواع تخطی های حقوق بشری دارند ، توام با بمباردمانه های ثقیل امریکا و ناتو که هزاران کشته بر جا نهاده است این ها دارای شبکه‌ای از زندانها بودند که معروف ترین آنها زندان گوانتانامو و زندان بگرام بود که حدود هشت هزار نفر از افغانها در آن زیر تیغ اسارت و زنجیرزندان بودند.

پاداش نهایی حضور امریکا و ناتو یک خروج غیر مسولانه در ماه اگست ۲۰۲۲ رقم خورده است که به فرار و گریز شباهت میرساند ، قوت‌های ناتو همه در یک شب از بگرام که کلانترین پایگاه امریکایی ها بود فرار را بر قرار ترجیح داده افغانستان را ترک داده بودند

خروج از کابل و میدان هوایی با طیارات غول پیکر توام با تلفات انسانی هنوز در اذهان تلالو دارد سرعت خروج از کابل بحدی سریع و متشنج بود امریکایی ها و قادر به انتقال انعه افغانهای که با ایشان کار نموده بودند نگریده و حال آنها با مخاطرات حیاتی دست و گریبان اند .

۴ - پی امد چنین خروجی در جسم و جان در حال نزع دولت افغانستان نیز رسوخ کرده بود به مجرد خروج امریکا ها نه تنها بقایای قوت‌های مسلح که بدست امریکایی ها متشکل گردیده بود بلکه دولت افغانستان تحت رهبری اشرف غنی نیز به گستردگی فرپاشید و همه جنگسالاران جهادی ابزار دست امریکا با کیسه های مملو از طلا و اسعار خارجی از کشور فرار نمودند

بدین ترتیب پی امد حضور بیست ساله امریکا و ناتو که وعده محقق کردن بهشت را برای افغانستان داده بودند به تحقق جهنم برای کشور انجامیده بود . امریکایی ها که قادر به ثمر رساندن کنفرانس دوحه قطر نگردیده بودند نه تنها شکست شانرا بدنبال آورد بلکه یک کشور بشدت فقیر، گرسنه ، مریض و بیکار و تند روی مذهبی و افراط گرایی را به افغانستان ارمغان آورد حال افغانستان در نقطه عطف تاریخ اش زندگی میکند سخت گیری های غیر متعارف امارت طالبان بر زنان که نیم پیکر دوست داشتنی جامعه اند بیداد میکند و افغانستان با یک روند واپسگرایی مواجه گردیده است . ختم- 11 ماه فبروری 2023- س ع قدوس سید



